

نام تحقیق:

حقوق خانواده

نام محققان:

نویسنده کتاب: دکتر علی قائمی

نام کتاب: نظام حیات خانواده در اسلام

## مقدمه

انقلاب صنعتی را به واقع می توان یکی از رخدادهای مهم تاریخ حیات بشر بحساب آورد از آن بابت که کمتر رویدادی را در جهان میتوان ذکر کرد که تا بدین حد در جوانب ابعاد حیات انسان اثر گذارده باشد.

شیوه زندگی و اصولاً طرز فکرها در رابطه با آن دگرگون گردید، اندیشه هائی جدید در رابطه با حیات نوین پدید آمدند که دامنه آن به زودی در اقصی نقاط جهان گسترده شده و حتی کشورهای غیرصنعتی را هم زیر پوشش قرار دادند. اخلاق که تا آن روزگار بیشتر جنبه تعیینی داشت بمرحله استنباطی رسید و هر گروه و طرفدار مکتبی کوشیدند که آن را بر اساس دید و برداشت خود تبیین کنند. ارزشهای گذشته بویژه در زمینه روابط زیر سؤال قرار گرفتند و چه بسیار از آنها که فانی شده و بجایش ارزشهای دیگری پدید آمدند.

نهضت صنعتی عاملی بود که در آن سرمایه داران کوشیدند برای دستیابی به کار بیشتر و مزدی کمتر زنان را از خانواده ها به بیرون کشند و به سوی کارخانه ها گسیل دارند و این امر با فریب و حقه تحت عنوان دادن «حق آزادی» به زنان و تساوی حقوق آنها با مردان آنچنان فلاکت و بیچارگی برای این طبقه بوجود آورد که وصف ناشدنی است و شما در دنیای غرب هرروزه صبحها بانوانی خواب آلود را می بینید که دست کودکان خواب آلود خود را گرفته و منتظر قطار یا اتوبوسی هستند که بیاید و جگرگوشه شان را به پرورشگاه و مهد کودک ها بسپارد و خود آنها را هم به کارخانه و این جدائی که خود منشاء

پیدایش عقده ها و نابسامانیها در سنین بعدی حیات کودکان است موجب پیدایش بزهکاری‌هائی است که همه روزه تکرار میشود.

بیان اینکه در دنیای امروز دذر رابطه با خانواده چه مسائلی مطرح است و چه شیوه هائی در برخورد با آن بچشم میخورد بحثی است پردامنه که موضوع تحقیق دانشمندان جامعه شناسی، حقوق، روانشناسی، تربیت و حتی علم سیاست است.

ولی ما گمان داریم بسیاری از آنچه که می بایست مورد بحث و بررسی قرار گیرد عالمانه و یا جاهلانه از دید مسؤولان پوشیده مانده است.

عده ای هوسباز در قالب روشنفگرنمائی سعی کرده اند زنان را از کانون گرم خانواده بیرون بکشند و بصورت ابزار و وسیله در اختیار خود قرار دهند و گروهی هم کورکورانه به دعوت و ندای آنها پاسخ گفته و تیشه به ریشه خود میزنند. حتی امروزه ما در مواردی می بینیم که خانواده وجود دارد، اما چه خانواده ای؟ در آن نه سر و سامانی است نه نظم و آرامشی نه تربیت و سکونی....

ما امروزه عملاً می‌یابیم و شاهدیم که خانواده ها دچار نابسامانی و درگیری هستند. در رابطه با خود و فرزند مسائل و دشواری هائی دارند:

-روابطشان سست و متزلزل است و از صفا و صمیمیت و در نتیجه آرامش و سکون واقعی خبری نیست.

-زن و شوهر ظاهراً در کنار یکدیگرند ولی وضع حیات‌شان آنان را چون دو بیگانه در کنار هم قرار داده است.

-آمار طلاق سرسام آور است و زن و مرد باندک بهانه یا رشته حیات خانوادگی را از هم می‌گسلند.

-فرزندان مهر و عطوفت لازم را از خانواده‌ها بدست نمی‌آورند و در نتیجه اغلب شان زودرنج و زودشکن و بی‌عاطفه‌اند.

-بعلت برخورداری نسل از تربیت صحیح بزهکاری کودکان رو به افزایش و تزاید است.

-فرزندان نامشروع رو به افزایش‌مند و وحدت‌ها و صمیمیت‌ها در حال تزلزل و سقوط. و این فقط گوشه‌ای از وضع نابسامان اکثر خانواده‌های جهان امروز است.

خانواده‌هایی که فدای مدعیان و روشنفکران و صاحبان مکاتب شده‌اند آنان که ویرا اعتراف کردند در عرضه و ارائه طرز فکر خود عجله کرده‌اند و تحت عنوان آزادی زنان و تساوی حقوق کار به فساد و رسوائی کشانده‌اند.

اندیشه روشنفکر مآبانه بسیاری از پدید آورندگان مکاتب و غفلت آنها و غرورشان از آن جهت که خود را دلسوزتر از خدا برای بشر دیده‌اند سبب ضایع شدن انسان و حیوانی شدن زندگی آنها گردید. موقعیت فطری و طبیعی انسانها نادیده گرفته شد و موجبات افزایش نابسامانیها از هر حیث فراهم گردید.

ما معتقدیم امروزه بیش از هر عصری ضروری است در باره خانواده ها بحثها و ارشادهائی صورت گیرد. نخست از آن بابت که در هیچ عصر و دوره‌ای بشریت تا این اندازه در رابطه با خانواده دچار سقوط و انحطاط نشده بود. ثانیاً هیچگاه بدین اندازه انسانها از دست پخت فکری و فلسفی خود دچار سرخوردگی نشده بودند، و ثالثاً در هیچ عصری آوای تعالیم جانبخش اسلامی و معرفی اسلام بعنوان یک تز حیاتبخش و انقلاب آفرین جا نیفتاده بود. بشریت امروز چشم به سوی اسلام دارد و میخواهد ببیند اسلام در این رابطه چه میگوید و برای نجات انسان از بدبختیها و بیچارگی های موجود چه تزی ارائه میدهد.

اسلام خانواده را از مهمترین و اساسی ترین واحدهای اجتماعی می داند که بنای آن بر الفت و همدلی و همدمی استوار و این بنا محبوبترین بناها در پیشگاه خداوند است. روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذایر شده و گرمی کانون خانواده مورد توجه عمیق اسلام است.

اسلام زندگی خانوادگی را بر مبنای حقوق و مسئولیت قرار میدهد و در آن وظیفه هر یک از اعضاء معلوم و مشخص است در عین آنکه گذشت و فداکاری زوجین برای گرمی کانون و استواری آن اصلی است. اسلام قائل است اصلاحات از خانواده ها باید شروع شوند (ابدء بما تعول) و زن و شوهر مسلمان باید بنای حیات اجتماعی را در خانواده پی ریزی نمایند.

## کاری که ما انجام داده ایم

کاری که ما در این راه انجام دادیم بررسی و مروری است ساده و کوتاه بر آنچه که در نظام حیات اسلام در این رابطه وجود دارد، مطالعه ای است در زمینه نظام حیات خانواده در اسلام بمقصد بیان واقعیت هائی که در این رابطه وجود دارد.

اساس انگیزه ما در این راه ضرورت وجود بحثی جدید در زمینه خانواده بویژه در عصر پیروزی انقلاب اسلامی و تجدیدنظر در برخی از گفته ها و یافته ها و بررسی جوانب و ابعادی مهم در این رابطه است. ما تابع اسلامیم و بدنبال تعالیمی میرویم که خدای اسلام ان را برای ما مقرر و وضع کرده است.

نسل ما نسلی علاقمند و آگاه و یا لاقول دوستدار کسب آگاهی در زمینه مسائل اسلامی است. جوانان دوستدار ازدواج و تشکیل خانواده میخواهند بدانند چه کنند که عملشان مورد رضای اسلام باشد و چه معیارهائی را در زمینه خانواده به کار گیرند که به سعادت شان بیانجامد.

ما در این بحث سعی خواهیم داشت علل و عوامل تزلزل خانواده را جستجو کرده و حق و حقوق نقشهای قضاوت را در خانواده را بیان کرده که بر دانائیها افزوده گردد و راه حلهای عرضه شده گری از مشکلات موجود در این زمینه را بگشاید.

ما دیدگاه اسلامی خود را در زمینه خانواده عرضه میکنیم بدان اطمینان که خداوند به مصالح بندگان آگاه تر و تعالیم اسلامی از سوی اوست که دانائی حکیم و خالق عالم به اسرار است. او که نور هدایتش همه جا روشن کرده نمی پسندد که خیری از انسان بیحساب رو به زوال گذارد و یا در سایه اجرای فرامینش چیزی از انسان دور گردد.

راهی را که در پیش پای ما نهاده راهی است که انتهای آن سعادت و نیکبختی است و راه حلهائی که او برای رفع مشکلات ما عرضه کرده راه حلی خیرآفرین است.

## بخش اول

تعاریف و بررسیها

تعریف خانواده

سازمان و اعضای آن

وظایف و کارکرد آن

نقش و اهمیت خانواده

ساخت خانواده

ضرورت وجودی خانواده

بررسیهای برخی از روانشناسان اجتماعی نشان داده است که امر خانواده در نزد برخی از حیوانات عالی هم رواج دارد ولی صورت عقلانی و پایدار آن در جامعه انسانی دیده میشود. مسأله ازدواج در زندگی انسانها نقطه عطفی مهم است که صدها پیروزی و شکست، کامیابی و ناکامی انسان ها بدان مربوط میشود.

حق ازدواج در همه مذاهب و مکاتب از حقوق زن و مرد بحساب می آید و در اسلام با خواست و تراضی طرفین و آزادی کامل زن و مرد صورت میگیرد. بدنبال آن طبعاً حقوق و وظایفی برای طرفین و فرزندان که از آنها پدید می آیند ایجاد میشود.



خانواده بمفهوم محدود آن عبارتست از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنها را تکمیل میکنند. تعریف دیگری خانواده را شامل مجموعه ای از افراد میداند که با هدف و منافع مشترک زیرسقفی گرد هم می آیند.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی میکند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل میدهد و نکاح عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن طرفین دارای وظایف و حقوق میشوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی میگردند.

اساس تشکیل آن این است که زن و مردی میکوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است محقق گردانند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی بحساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی به هم پیوند پیدا میکنند.

#### وظایف و کارکرد آن

خانواده عهده دار وظایف مهم و فوق العاده ای است که اهم آنها عبارتند از:  
-ارضاء و اقناع سائقه جنسی بصورت مشروع و بر اساس ضوابط مورد تأیید.  
-تولید نسل و ابقای آن از طریق تولید مثل.

-پرورش نسل و مراقبت از آن بخاطر حفظش از خطرات گوناگون.  
-صمیمیت و نزدیکی شدید با اعضاء و همرنگی و همدلی و تعاون و تعاضد.  
تکمیل و تکامل زمینه امن و آسایش در یکدیگر بگونه ای که امکان عبادت خدا و  
موجبات رشد از هر حیث فراهم گردد.

#### نقش و اهمیت خانواده

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیرمذهبی  
پذیرفته شده و توسعه یافته است. در جوامع مختلف دارای نقش، پایگاه و  
منزلت های گوناگون است. با اینکه هسته ای کوچک از اجتماع است در حیات  
اجتماعی مردم نقش و تأثیری فوق العاده دارد.  
همه سنت ها، عقاید و آداب، ویژگی های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به  
نسل جدید منتقل میگردد.

جامعه متشکل از خانواده هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل  
توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیانبخش آن به جامعه هم میرسد. ساخت  
و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است، انگیزه اعضایش در انگیزه  
های اجتماع تأثیر میگذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و  
در صحت یا بیماری آن نقشی مؤثر دارد.

از نظر ما تشکیل خانواده خدمتی است به زن و مردی که برای حیات مشترک  
پیوندی برقرار کرده اند، و خدمتی است به اجتماع از نظر دور داشتن آن از

عوامل فساد و لغزش احساس مسئولیت، و به کودک که نیاز به مربی و معلمی صالح دارد، و به مکتب و مذهب که تعالیم آن را از این طریق حیات و تداوم پیدا میکنند.

#### ضرورت وجودی خانواده

خانواده یک نهاد است و ضرورت وجودی آن عقلاً و شرعاً قابل اثبات است. بدون وجود آن حیات اجتماعی شکل و معنایی ندارد. بررسیها نشان داده اند تلاشهایی که برای از بین بردن آن صورت گرفته امری بیهوده بوده و جامعه را دچار خطر و زیانهای کرده است. وجود نسل ناشناخته و کودکانی که دچار نارسائیه و کمبودهای عاطفی هستند برای جوامع بشری آفتی بحساب می آید و با همه مراقبت هایی که در حفظ آنها بعمل می آید بازهم وضعی عادی و روحیه ای متعادل ندارند.

دنیای امروزی معتقد است باید به خانواده ارج نهاد و برای تشکیل آن باید کمکهایی از طرف دولت و ملت صورت گیرد. این اعتقاد در بسیاری از نقاط جهان مورد توجه و عمل است و مسئولان در این زمینه اقدامات فوق العاده ای انجام میدهند.

اسلام از روزگاران قدیم در باره اهمیت این امر سخت گفته و رسول خدا (ص) فرموده است: ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله من التزویج (وسایل) هیچ بنائی در اسلام محبوبتر از بنای ازدواج در پیشگاه خداوند نیست.

## فصل 2

خانواده از دیدی یک مؤسسه حقوقی است و روابط اعضای آن بناچار باید مبتنی بر ضوابطی باشد. بررسی حقوق خانواده در پنج قسمت قابل ذکر است.

فصل دوم آن مربوط به حقوق اختصاصی زنان است.

فصل سوم آن مربوط به حقوق شوهر یا وظیفه زن است.

در قسمت چهارم سخن از حقوق فرزندان است.

در فصل پنجم سخن از حقوق والدین و اجداد است.

## مقدمه

فوائد رعایت حقوق

حقوق مشترک

1- سکونت مشترک

2- مضاجعت و تمکین

3- ستر و لباس یکدیگر

4- معاشرت نیکو

5- وحدت و انس

6- تکمیل و تکامل

ضرورت رعایت حقوق

ضمانت اجرای حقوق

نه تنها زندگی خانوادگی بلکه زندگی اجتماعی نیاز به قواعد و ضوابطی دارد که  
اعضاء مؤلف به تبعیت از آن میباشند. اسلام برای تحکیم خانواده و بنفع هر  
یک از اعضای آن حقوق و وظایف مخصوصی وضع کرده که رعایت آن سبب  
نزدیکی افراد بهم شده و درهم ریختگی ها و هرج و مرج ها را از بین می برد.  
این حقوق از زمانی است که ازدواجی صورت میگیرد و زن و مردی بر اساس  
قرارداد تصمیم میگردند تحت شرایطی مورد قبول با هم زندگی نمایند.

#### فواید رعایت حقوق

رعایت حقوق برای زن و شوهر و فرزندان این فواید را دارد که اولاً مرز  
مسئولیت ها را نسبت بیکدیگر معین میکند. طوری که هر یک از اعضاء در می  
یابند چه راه و روش و چه مشی مشخصی را باید در پیش گیرند تا مورد توجه  
و عمل کرده به وظایف و تعهد باشند.

بر اثر آن نظم در خانواده برقرار می شود و آزادی ها مهار شده و تحت  
ضابطه اندیشه ای درمی آید. دیگر کسی تن به بی بند و باری نمی دهد و هرج و  
مرج در محیط خانواده نخواهد بود. حیثیت هر کس در چارچوب آنچه برایش  
مطرح است شناخته شده و روی آن حساب خواهد شد.

رعایت حقوق در خانواده سبب پیدایش امنیت در آن میشود، حدود توقعات  
اعضای خانواده از یکدیگر معلوم میگردد، طرز رفتارها مشخص و در چارچوب

ضابطه ها علنی میگردد. زن و شوهر می توانند برای کار و زندگی خود برنامه ریزی کنند و وضع حال و آینده را پیش بینی نمایند.

و بالاخره رعایت حقوق باعث ایجاد عدالت در خانواده شده و هر یک از اعضا بر اساس آن برای خود و دیگران مرزی قائل میشوند و از آن حد و مرز تجاوز نکنند و این مجموعه خود عامل و سبب رشد خانواده و در سطحی کلی تر سبب رشد جامعه انسانی است.

سکونت مشترک:

اعضای خانواده مادام که در تعهد یکدیگرند در یک خانه و در زیر یک سقف زندگی میکنند. و این امر خود سبب پیدایش انس ها و الفت ها و موجب تداوم زندگی است. این زندگی خانوادگی نیست که مرد در ایران، زن در اروپا و فرزندان در جایی دیگر باشند. در چنین صورتی شوهر دیگر شوهر نیست، بلکه عامل و کارگزاری برای همسر و فرزندان است.

وضع بهمین گونه است در باره فرزندان. این روا نیست که پدر و مادری بهر علتی فرزند خود را از خود دور بدارند و مثلاً ببهانه تربیت بهتر یا علل و انگیزه های دیگر او را به پرورشگاه و یا مهد کودک بسپارند. در آنصورت دیگر چه پدری و چه مادری و چه فرزندی؟

ستر و لباس یکدیگر:

تعبیر قرآن از زن و شوهر این است که برای هم لباس و ساتر باشند (هن لباس لکم و انتم لباس لهن) و این بنظر ما تعبیری بسیار ظریف و واجد نکته هائی بسیار مهم است. تفاسیر اسلامی در این رابطه تحلیل هائی دارند که اهم آنها عبارتند از:

-اینان لباس یکدیگرند بدین معنی که حافظ یکدیگر از آسیب ها و عوارض مختلفند.

-ساتر هم و پوشنده عیوب و نواقص یکدیگرند و سعی دارند عیب یکدیگر را نزد بیگانه علنی نسازند.

-مانع فجور و گناه یکدیگرند و اجازه نمی دهند آلودگی و فجوری برپا یکدیگر باشد.

-مایه آراستن و زیبائی و سبب سرووضع پیدا کردن یکدیگر.

-وبالآخره مایه حفظ هم از حدت و شدت گرمای جنسی و غریزی یکدیگرند. معاشرت نیکو:

در روابط خانوادگی اصل بر این است که تصور شود همه خیرخواه یکدیگرند و در طریق رشد و تکامل هم گام برمیدارند. از بدخواهی نسبت بهم و دیگر عیوب اخلاقی دور و مبرا هستند و بر این اساس با حسن تلقی از امور با یکدیگر برخورد دارند. عیب هم را نادیده میگیرند و برای بزرگ کردن عیوب هم اقدامی ندارند.

وحدت انس:

بنای حیات خانوادگی بر انس و یکرنگی گذارده شده و از این بابت هیچ واحد و ارگانی را مشابه آن نمی یابیم. حتی در ضرب المثل ها و کنایات و استعارات مربوط به وحدت ها و یگانگی ها بغیر از جنبه های عقیدتی مسأله خانواده و اعضای آنرا به عنوان نمونه ذکر میکنند.

روایات متعددی در اسلام توصیه به این امر دارند که زن و شوهر موجبات رشد یکدیگر را فراهم آورند و این رشد هم در جنبه مادی است و هم در جنبه معنوی است، مثلاً برخی از احادیث اسلامی گویند زنی که موجبات تحصیل شوهرش را فراهم کند و سببی بسازد که عالم گردد خداوند بهشت را بر او ارزانی دارد. و هم روایتی دیگر می گوید زنی که موجبات حج و شرکت شوهر را در جهاد فراهم آورد خود در اجر و پاداش آن شریک است (مکارم الاخلاق، بحارالانوار)

حقوق دیگری هم وجود دارند که اگر نیکو نگریسته شوند در همین ابواب گرد هم می آیند از جمله حفظ جوانب یکدیگر، برخورد با صمیمیت، تلاش برای رفاه و سعادت هم، حفظ و تداوم انس بحدی که روایات ما میگویند مکروه است زن و شوهر بر یک سفره غذا نخورند. وفاداری بشروط ضمن عقد و حتی قولهای که صورت شرطی نداشته باشد. مثلاً اگر شوهر بهمسرش قول داده است همسر دیگری نگیرد بر او لازم است این شرط را رعایت کند.

آنچه قابل ذکر است این است که این حقوق باید در مرز قرآن و سنت باشد و اسلام اجازه نمی دهد که مسلمانی بر حکم خدا پیشی گیرد و ضوابطی معین



نماید که مخالف آن باشد. وجود سنت قرآن بر سر سفره عقد حاکی از این موضوع است که زن و شوهر خود را مکلف به ادای وظایفی در این چارچوب میدانند و باید این رعایت را همچنان ادامه بخشند. زن و شوهر مسلمان وظیفه دارند همه اعمال و رفتار خود را با قرآن و سنت منطبق سازند نه تنها یک بعد و یک جنبه آن را.

## فصل 2

## دامنه حقوق زن

الف) نفقه: غرض از نفقه چیزی است که فردی برای زندگی متعارف و متعادل خود بدان نیاز دارد. و در این بحث شامل انواع هزینه هائی است که مرد در ازای پیمان زناشوئی آن را برای زن باید متحمل گردد.

نفقه شامل مواردی چون غذا، مسکن، لباس، اثاث البیت مورد نیاز، حتی در فقه اسلامی هزینه آرایش است که شوهر بر طبق ضوابطی باید آن را بپردازد. این پرداخت بر اساس نیاز، شأن، و شرایط متعارف اجتماعی است. در زمینه نفقه زن مطالب و نکاتی است که باید بدان توجه شود:

این وجوب از آغاز زندگی مشترک است تا زمان مرگ و حتی در مدت عده طلاق رجعی، خواه زن فقیر باشد و خواه غنی. اگر شوهر ورشکست شود حق زن مقدم بر ادای دیگر بدهی است. اگر شوهر نتواند به وضع متعارفی نفقه را بپردازد در صورت تمکن وظیفه جبران دارد. اگر چند روزی نفقه را ندهد و زن آن روزها را بگذراند بدهی شوهر از زن ساقط نخواهد شد.

شوهر وظیفه دارد لباس و مسکن مناسبی در اختیار زن بگذارد، غذات و لباسی برای زن تهیه کند که از وضع او در خانه پدرش بهتر باشد. از نظر کلی وضع باید بگونه ای باشد که آسایش نسبی او را بگونه ای مشروع و قابل قبول فراهم سازد.

اگر در شئون زندگی زن خدمتکار مطرح بوده شوهر باید آن را عهده دار گردد و این خود هشداری است برای مردان که در انتخاب همسر مراقب باشند.

برخورد خوش

از حقوق و مطالبات زن از شوهر یکی این مسأله است که شوهر باید برخورد خوشی با زن داشته باشد. این برخورد خوش به صور و شیوه هیا گوناگون است که اهم آن میتواند راجع به موارد زیر باشد:

احترام: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که زن میگیرد باید احترامش کند (من اتخاذ زوجه فلیکرمها (کافی)، جلوه دیگر این احترام مراقبت از اوست بدان خاطر که زن در تعبیر قرآنی بصورت حرث و کستزاری معرفی شده است و طبعاً این حرث نیاز به حمایت دارد.

مدارا: امام صادق (ع) فرمود حق زن بر شوهر این است که او را سیر کند و او را بیپوشاند و اگر لغزش و خطایی مرتکب شد او را ببخشد (بحارالانوار ج 74) و هم در حدیث دیگر آمده است که رسول خدا (ص) فرمود: بهترین مردان امت من کسانی هستند که دست ستم به سوی خانواده خود دراز نکرده و به آنان احسان میکنند (مکارم الاخلاق - خیرالرجال من امتی اللذین لایتطاولون علی اهلهم و یحسبون علیهم)

امام سجاد (ع) فرمود: حق همسر تو آن است که بدانی خدای او را مایه آرامش و الفت تو قرار داده و این را از جمله نعمتهای بزرگ خدا بشماری و از این رو

در رفتار خود مدارا کنی و احترام او را نگاه داری در سخنان پیامبر و امام امیرالمؤمنین بارها توصیه به مداریا با زنان است و رأفت با آنها. رعایت عدالت: این هم نکته ای مهم و از حقوق واجبه آنهاست که شوهر در رابطه با زن عدالت را بنمایند. به قدرت و زور متوسل نشود و استبداد خود را عامل حقانیت خویش قرار ندهد.

#### پیشگیری و منع:

از وظایف شوهر در رابطه با همسر یکی این است که در رابطه با لغزش های بعدی پیشگیری هائی داشته باشد موجباتی به وجود آورد که زن به دام نیفتد و عفت و پاکدامنی او لکه دار نگردد. هم چنین او را از افتادن در وادی گناه که سقوط آور است محافظت نماید.

اسلام مرد را موظف کرده است که زن را حفظ کند، هم جسم و روان او را و هم عفت و اخلاق او را و باید مراقب باشد تا خطری برای او پدید نیاید. حافظ و حامی او از ناملازمات باشد، او را از فسق و فجور بازدارد، از دید اجنبی مصون و از نگاههای شهوت آلود مستورش دارد.

روایات ما میگویند مردی که میداند زنش آلودگی دارد و با این حال او را تحمل میکند و یا عکس العمل نمی دهد دیوث است و بوی بهشت را نخواهد شنید. این سخن نشان می دهد که مسئولیت او در رابطه با همسر تا چه حد است.

غرض آنکه مرد هم بحکم اسلامی و هم به حکم قانون موظف به ادای حقوق واجبه زن در مسائلی است که برشمرديم و هم مراعات حال و احوالش در دیگر

موارد که جنبه انسانی دارد و ما آنها را برشمردیم. اسلام او را گل یا ریحانه معرفی میکند. آنکس که بخواهد از ریحانه‌ای بهره ببرد باید از عوامل آلوده او را دور نگه دارد.

### فصل 3

#### حقوق شوهر

##### مقدمه

#### دامه حقوق شوهر

##### 1- تمکین زوجه

##### 2- اطاعت و فرمانبرداری

##### 3- حفظ عفت خود

##### 4- حفظ عفت شوهر

##### 5- مدیریت کانون

##### 6- اخلاق خوش

##### 7- تحمل شوهر

##### 8- پنهان داشتن‌ها

#### از دیگر حقوق شوهر

#### حقوق شوهر

## مقدمه

یک زن خوب و شایسته از دید اسلام زنی اسن که بنحوی شایسته سعی به شناسایی حقوق شوهر و ادای آن بوجهی نیکو داشته باشد و آنچه از او در این رابطه مورد انتظار است رعایت وظایف بنحوی مؤدبانه است نه توجه به زیبایی صورت و یا حقوق بگیری و کارمندی.

## دامه حقوق شوهر

اینکه حقوق شوهر چیست و تا چه دامنه ای است بحثها و نظرات بسیار است. شاید همه آنها و یا بخش مهمی از آن را بتوان در این بحث بشرح زیر مطرح کرد:

- 1- تمکین زوجه: غرض تمکین در مضاجعت است. داشتن رابطه آمیزشی با زن از حقوق شوهر است و زن نمی تواند در این زمینه شوهر را مانع شود و یا عذری بیاورد، مگر آنگاه که برای او منعی شرعی و یا زیستی مطرح باشد.
- 2- اطاعت و فرمانبرداری: برخی از فقهای ما کل حقوق شوهر را در دو کلمه خلاصه کرده اند: یکی اطاعت و دیگر حفظ زندگی از مال و ناموس. غرض این است که میخواهیم بگوئیم مسأله اطاعت و فرمانبرداری از همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

شک نیست که اطاعت در چارچوب ضوابط شرعی است نه بر اساس آنچه که شوهر هوس کند. مثلاً شوهر حق ندارد در زمینه گناه از همسر خود طاعت

بخواهد. نمی تواند به او دستور دهد که مثلاً خود را در برابر مهمانان بیاراید و حاضر کند، برای او و دوستانش وسایل شراب و قمار فراهم سازد. آری، شوهر میتواند در امر صواب از همسر خود اطاعت و صمیمیت بخواهد و به فرموده رسول خدا (ص) بر زن است که از شوهر تبعیت کند و نسبت به او ابراز خلوص نماید، بغیر از روایات دید اخلاقی هم این است که زن حرف شوهر را گوش کند، به دستورات او گردن نهاد، خوددار باشد و تمایلات او را برآورد. روایات اسلامی میگویند این امر در عین اینکه وظیفه ای برای زن است سبب غفران و آمرزش او و حتی بستگان و والدین او نیز خواهد شد.

3- حفظ عفت خود: اسلام میخواهد زن عفیف و پاکدامن باشد و این پاکدامنی از یکسو برای او وظیفه ای اسلامی است و از سوی دیگر چون بخشی از آثار و منافعی که به شوهر برمیگردد جزء حقوق شوهر بحساب می آید.

زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود (وسایل الشیعه ج 14)، حق ندارد پای مردی را که حتی ممکن است از بستگان او باشد ولی مورد رضای شوهر نیست وارد خانه همسر کند (مکارم الاخلاق) و حق ندارد پای خائن به شرف و ناموسی را به خانه خود باز کند (کافی) زیرا در چنین صورت حق شوهر از میان رفته است.

اسلام میخواهد فرزند از آن زوجین باشد و از بستر مشترک پدید آید (الوالد للفرش) و بدین نظر زن را موظف کرده است که بستر شوهر را از معرض

جنایت ها و دستبردها دور دارد. و حتی بدون اجازه شوهر کسی را در خانه نپذیرد.

حفظ عفت شوهر: زن باید بداند که شوهر در معرض لغزیدن هاست. دیدار چهره های گوناگون، زنان آلوده و هوسباز، تنوع های گوناگون در کوچه ها و خیابان ها، زرق و برق و فریب گمراه کننده اند. زن با دلارائی و دلداری خود، با آرایش مناسب، با عرضه خود به شوهر با تمام وجود، باید موجبات عفت و پاکی چشم شوهر را تضمین کند. چه بسیارند افرادی که آلوده شدند بدان خاطر که در محیط خارج خانه با زرق و برق ها و دلفریبی ها مواجه بوده اند و در داخل خانه با وضع زننده و نابهنجار خود. متأسفانه ما در مواردی با زنانی مواجهیم که در خانه هیچگونه آرایشی ندارند. لباس های خوب و زیبای خود را برای بیرون و مهمانی ها مورد استفاده قرار میدهند و لباسهای چرکین و کثیف را در خانه. در حقیقت شوهرشان احساس میکند که در خانه خود آشپز و کفتری دارد نه زن و بانو. درحالیکه روایات ما زن را موظف کرده اند که بخصوص از ساعتی قبل از حضور شوهر در خانه آمادگی و تهیو لازم را داشته باشند.

##### 5-مدیریت کانون:

او وظیفه دارد کانون خانوادگی را برای زندگی گرم نگه دارد. آنچنان که مرد رغبت کند در آن زندگی نماید و یا پس از پایان کار روزانه علاقمند شود و سوی خانه حرکت کند و در آنجا آسایش و آرامشی برای خود پیدا نماید. آری،



مسأله پخت و پز و اداره خانواده و رفت و روب و دکورسازی جز وظیفه زنان نیست و از این بابت زن به شوهر بدهی ندارد ولی آنکس که خواستار ادامه زندگی و داشتن وحدت و الفت هست این جنبه ها را در خود پذیراست.

حتی زنان زیرک و هوشمند سهی دارند بگونه ای عمل کنند که تنوع در زیبایی خانه بوجود آید. حتی برای زن و شوهری که یک اطاق دارند زن با جابجائی اثاثیه و تغییر مکان میتواند این تنوع را رعایت کند و مایه جلب و جذبی شود.

6-اخلاق خوش: از مسائل مورد اتفاق این است که زن وظیفه دارد اخلاق خوش و نیکوئی در رابطه با همسر داشته باشد. تندخوئی نکند، عصیان نرزد و با زبان نیشدار او را از خود نرنجاند. اصولاً وجود لکنکنواالیها در قرآن ایجاب میکند که زن با زبانی خوش و با استقبال نیکو از شوهر برنامه زندگی را پایه بریزد.

روایات ما از زن خواسته اند که در حین ورود شوهر به خانه از او استقبال به عمل آورد، او را در صورت خستگی راحت بگذارد، وسایل آسایش او را مهیا کند، حتی اگر دچار کمبود خواب است موجباتی فراهم آورد که او راحت بخوابد. در حین خروج از خانه او را تا دم در بدرقه کند و ... اصولاً نرمخوئی و عاطفه زن میتواند سازنده باشد و شوهر را که مثلاً از درگیری های بیرون رنجیده و آزرده است آرام نماید.

7- تحمل شوهر: زن مسلمان باید شوهر خود را تحمل کند و این تحمل لااقل در دو قسمت باید مورد نظر باشد. یکی در رابطه با اخلاق او و دیگر در رابطه با فقر او.

چه بسیاری شوهرانی که در اثر تحمل ناملایمات بسیار، مواجه بودن با دشواری ها و گرفتاری های زندگی افراد عصبی، تندخو و تندمزاجند و گاهی در رفتار و طرز برخورد خود با همسر ناسازگاری های دارند. در چنین موارد زن باید شکیبیا باشد و با آرامش و سکون و دلجوئی های خود از او موجبات سکون و آرامش او را فراهم آورد. بار زندگی بر دوش مرد است و او برای تأمین زندگی به دلداری او نیاز دارد و زن باید این نکته را در نظر داشته باشد. چه بسیاری تزلزل های که در زندگی خانوادگی پدید می آیند و زن با بردباری میتواند آن را زائل سازد.

هم چنین وجود مردی که در طلب معاش حلال باشد یک نعمت است و شما زنان باید خوشحال باشید که شوهر شما در پی کسب حلال است. اگر احياناً در اثر مشکلاتی مسائل و نارسائی های در زندگی او وجود داشت بکوشید آن را تحمل کنید و با فقر و ناداری او بسازید که خدای را از خود خشنود خواهید ساخت.

8- پنهان نداشتن ها: در زندگی زناشوئی حقه و فریب نباید مطرح باشد. زن و شوهر باید با هم رک و راست و محرم اسرار باشند. دروغ و حقه ممکن است

چند صبحی زندگی را شیرین کند ولی بهنگامی که آشکار و برملا شد موجب زبانی عظیم خواهد شد.

زن وظیفه دارد قاعدگی خود را به اطلاع شوهر برساند تا او دچار حرام نشود، اگر حامله است آن را از شوهر مخفی ندارد. اگر زنی آزاد ولی در عده است و قصد دارد با مردی که همسر او خواهد شد ازدواج کند بر او واجب است که بگوید در عده است و ...

از دیگر حقوق شوهر:

همانگونه که ذکر شد دامنه حقوق شوهر وسیع و بر اساس روایات متنوع است. حتی برخی از حقوق بصورت صفات اخلاقی زن است که در قرآن آمده است. مثل: صالحه بودن، قانته بودن (اطاعت) حافظ اسرار شوهر بودن، منزه داشتن خود با اعمال شایسته، پوشاندن و حفظ خود از نامحرم، فرو پوشیدن چشم از بیگانگان، آرایش فقط برای شوهر، مدیریت خانه از تربیت فرزند او، حفظ و حراست از اموال او، حفظ شؤن و احترام شوهر، تواضع در برابر او.

روایات دیگر که از رسول خدا (ص) نقل شده اند میگویند:

مطیع شوهر باشد، عصیان نرزد، از خانه شوهر چیزی را بی اذن او صدقه نکند، حتی روزه مستحبی بی اجازه اش نگیرد، خود را از تمتع شوهر دور ندارد بی اجازه از خانه اش خارج نشود و ... (روضه المتقین ج 8) زنی صحابه از رسول خدا وظیفه زن در قبال شوهر را پرسید: فرمود: مهر و محبتش را در دل

بپروراند، وعده و پیمانش را محترم شمارد، کسی را در فرزند وی شریک  
نسازد (بحارالانوار)...

حقوق فرزند

مقدمه

مسائل حمل و بارداری زنان

حقوق کودکان

1-پذیرش کودک

2-احترام به کودک

3-تسمیه کودک

4-تغذیه کودک

5-پوشاک کودک

6-مسکن کودک

7-بهداشت او

8-حمایت کودک

9-امنیت کودک

10-محبت کودک

11-رعایت آزادی و استقلال

12-آموزش ها

13-پرورش ها

14-کنترل ها

ضرورت ادای حق

تولید مثل و بقای نسل جزئی از حیات خانواده و دنباله و امتداد رشته هستی خانواده و مورد نظر اسلام است. وجود کهودکان سبب استحکام خانواده و موجب سازگاری زوجین است. اینکه رابطه جسمی زن و شوهر که رابطه یا مستقیم است به پیدایش فرزند منجر میشود موجب پیدایش و اوج گرفتن اندیشه تکامل در طرفین است.

از وظایف خانواده حفظ و نگهداری فرزندان و تربیت صحیح آنهاست که این امر علاوه بر رشد نیاز به شهامت دارد. روحهای عظیم هستند که اهمیت این امر و وظیفه یا را که در این رابطه وجود دارد درمی یابند و در پوشش حیات خانواده به پرورش و ادامه نسلی می پردازند که لیاقت عضویتی ارزنده برای زندگی اجتماعی دارند.

نگهداری و تربیت اطفال از وظایف رئیس خانواده است و مادر با اینکه قائم مقام پدر در انجام این وظیفه است نقشی بمراتب حساس تر از پدر برعهده دارد، بعبارت دیگر نقش مادر سازنده تر و جهت دهنده تر است. از نظر اسلام والدین امانتدار خداوندند و ما نمی گوئیم که آنها در حفظ و رشد این امانت خود را فدا کنند ولی میگوئیم که ضروری است منتهای تلاش خود را در این راه مضروف دارند.

والدین وظیفه دارند موجبات خیر و صلاح فرزندان را فراهم آورند و با ایجاد محیط صفا و خلوص و شرایط مناسب کانون خانوادگی را گرم نگهداشته و

مساعی خود را در راه تربیت نسل دور از هر شایبه ای بکار برند. دامنه این حقوق وسیع و از آن جمله است:

پذیرش کودک: از مسائل مهم حقوق کودکان یکی مسأله پذیرش کودک است. کودک را بهر وضع و صورتی که هست باید پذیرا شد، پسر یا دختر، زشت یا زیبا و در این وادی نباید شرایط گوناگونی مطرح باشد. زن و مرد باید بدانند آنها باغبانان و فرزندان میوه های آنانند. در طریق بثمر رساندن آنها باید بکوشند و این در شیوه و سنت اسلامی است.

تسمیه کودک: تسمیه و نامگذاری از مسائل مهم حقوق کودکان است. والدین کودک موظفند نام خوبی برای کودک معین کنند، نامی که در آن رضای خداوند باشد، توصیه شده که اسم کودک از آن نوع اسامی باشد که وابستگی و علاقه کودک را به خدا و یا علاقمندی و وابستگی او را به خاندان پیامبر نشان دهد. مثلاً نام امامان، حضرات معصومین، اولیاء الله و

تغذیه کودک: نخستین غذای کودک از شیر مادر است.

زن باید کودک را شیر دهد و اگر درخواست اجرت داشت شوهر باید به طلب اجرت او پاسخ مثبت دهد شوهر را ضروری است از مال و روزی حلال به همسر بخوراند که این امر در سلامت اخلاق و روان کودک شیرخوار مؤثر است.

پوشاک کودک: کودک را باید پوشانید و لباسی برای او تهیه کرد که در ضمن حفظ زیبایی و سلامت بدن موجبات ارضای سلیقه و رشد او فراهم آید.

مسکن کودک: والدین را ضروری است که مسکن مناسبی در اختیار کودک قرار دهند. شک نیست که فرزندان در همان خانه یا زندگی می کنند که پدران و مادران شان در آن سکونت دارند. ولی غرض در این بحث این است که کودک به تناسب رشد نیاز به محلی دارد که آن را از آن خود بشناسد و اشیاء مورد علاقه اش را در آن قرار دهد و یا در آن محل به زندگی خصوصی خود بپردازد. و این حق کودک است و پدران و مادران در حدود وسع و امکان خود در این رابطه باید اقدام نمایند.

حمایت کودک: از کودک باید حمکایت کرد تا او بتواند با اطمینان خاطر و به پشتگرمی والدین به پیش رود و از دشواری ها و مشکلاتی که در سر راه اوست نهراسد.

امنیت کودک: کودک نیازمند به امنیت است، هم امنیت جسمانی و هم روانی. محبت به کودک: کودکان نیاز به محبت دارند و رفع این نیاز یک ضرورت است. آنچه مهم است این است که این محبت به میزان و اندازه، دور از افراط و تفریط، برکنلر از تبعیض در بین فرزندان، به مورد و به موقع، واقعی و دور از ریاء و تصنع باشد و این بر اساس انجام وظیفه باشد نه بر مبنای شرایط خاص زندگی کودک.

رعایت آزادی و استقلال



آزادی کودک نباید بی بند و بار باشد و محبت به کودک نباید آدمی را آنچنان از خود بیخود کند که کودک را به خود رها نماید زیرا که در چنان صورتی امکان کنترل بعدی نخواهد بود.

آموزش ها: از وظایف والدین دادن آموزش های اساسی به کودکان است. آموزشی که موجب سازندگی و خیر و رفاه حال و آینده کودک شود. اما اینکه به کودکان چه بیاموزیم همان مسأله ای است که امام صادق (ع) بدان پاسخ گفته است: سزاوارترین چیزی که باید به کودکان آموخته شود چیزی است که چون بزرگ شدند بدان نیاز دارند. (مجموعه ورام). والدین باید به کودکان راه و رسم زندگی بیاموزند، درس عواطف و انسانیت دهند، فنون دفاع از خود را بیاموزند و در جمع موجبات رشد را در کودک رفاهم کنند.

پرورش، تربیت تنها در آموزش کودکان خلاصه نمی شود بلکه مسأله پرورش هم اصلی است که بدان باید توجه شود. طول مدت حیات خانوادگی فرصتی است که در آن کودک با سختی ها عادت کند، صاحب عزت نفس و مناعت طبع گردد. با پیچ و تاب زندگی خو بگیرد، روحیه ای متحمل داشته باشد. بتواند گذشت کند، ببخشد، ایثار نماید و بالاخره در این گرداب زندگی خود را از شرور و آفتاب نجات بخشد.

کنترل ها: و بالاخره کودک نیاز به کنترل دارد، کنترلی که او را از خطرات گوناگون حفظ کند، راه را برای سعادت‌مندی او باز نماید. فرزندان ما هم چون نهالهائی هستند که برای رشد نیاز به مراقبت دارند و والدین باید در این رشد

اقدام نموده و جلوی انحراف را بگیرند. شک نیست که این امر نیاز به تدابیری اندیشیده در زندگی دارد، تدابیری که ضامن شرف خانواده و حافظ کودک بوده و از لغزش ها او را دور بدارد و والدین باید در این زمینه بیدار باشند. خداوند در قرآن دستور میدهد که قوا انفسکم و اهلیکم ناراً. خود و خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنید (6-نحریم) و بعبارت دیگر آنها را از عداوی سقوط و انحطاط دور سازید.

از دیگر مسائلی که جزء حقوق کودکان بحساب می آید و مسؤولان خانه باید بدان توجه نمایند مسئله تأمین، مسئله تأمین آسایش زن و فرزند است. امام سجاد (ع) فرمود: اگر از بازار برای خانواده ام گوشت تهیه کنم برای من محبوبتر از آن است که بندی را در راه خدا آزاد کنم (مکارم الاخلاق). و هم امام رضا (ع) فرمود: آسایش زن و فرزند را فراهم کنید که آرزوی مرگ شما را نداشته باشند. (جامع السعادات ج 2)

آخرین نکته ای که در این فصل قابل ذکر است مسئله ادای حق است. فراموش نمی کنیم که کودک را قدرت و توان طلبکاری و ادای حقوق نیست ولی باید آگاه بود که طرف حساب او خداوند است. پدران و مادران باید همه هم خود را در ادای هرچه بهتر این حق مصروف دارند.

## فصل 5

### حقوق والدین و اجداد

## حقوق والدین

### مقدمه

اسلام سعی به وحدت و یکپارچگی امت دارد

در سخنی از حضرت رسول آمده است که فرمود:

- خداوند رحمت کند فرزندی را که به والدین و نیکی و آنها را در خیر یاری کند.

- رحمت خدا بر پدری که به فرزند خویش در نیکی یاری کند.

- رحمت خدا بر همسایه ای که در کارهای خیر به دیگری یاری رساند و به

معاونت همسایه ای بپردازد.

- رحمت خدا بر دوست و رفیقی که به رفیق خویش مدد نماید.

- رحمت خدا بر کسیکه با شرکاء و همکاران خویش اشتراک مساعی نماید.

- و رحمت خدا بر کسیکه به حکومت یاری و مدد رساند ... (روضة المتقین ج 8).

## حقوق والدین

بررسی مجموعه آنها میتوان این موارد را برای فرزندان بعنوان وظیفه ذکر کرد.

- اطاعت از والدین جز در آنها که مسأله گناه و دعوت به نافرمانی از خدای باشد.

- نیکی کردن و احسان به والدین و مدرسانی به آنان به ویژه در آنگاه که درخواستی کرده باشند.

- رعایت اخلاق خوش و برخورد مناسب با والدین در همه احوال و شرایط.

-سپاسگزاری از نعمت های خدا که چنین والدینی را در اختیار او قرار داده و ادای عمل آن سپاس.

-دعا برای والدین و درخواست رحمت و عنایت از خداوند برای آنان.

-تواضع و فروتنی در برابر آنان به گونه ای که به تعبیر قرآن پر و بال خود را زیر پای آنها بگسترانند.

-خودداری از اهانت به والدین حتی به گفتنی لغتی چون اف.

-نگهداری با محبت و رأفت و حتی مراقبت در این امر که صدای او از صدای پدر و مادر بلندتر نشود.

روایات ما میگوید خشنودی پدر و مادر رضای خداوند است و خشم الهی در غضب پدر و مادر (رسول خدا (ص)) امام رضا (ع) فرمود از پدرت اطاعت کن و نسبت به او مراتب نیکی، تواضع، خضوع و بزرگداشت و تکریم را معمول دار. دیگر روایات هم مسائل دیگری را در این مایه مطرح میکنند و این همه توصیه ها بدان خاطر است که والدین بر گردن فرزندان حقی عظیم دارند و رشد و هستی فردی و اجتماعی آنها به آنان مربوط است.

هوالعزیز

در حقوق والدین بعد از روایت نوشته یم شود (در آخر)

از کتاب رساله حقوق از علی بن الحسین علیه السلام

و اما حق مادرت این است که: بدانی او را در درون خود برداشته که احدی احدی را در آنجا راه ندهد و از میوه دلش به تو خورانیده که احدی از آن به دیگری نخوراند، و او است که تو را با گوشش و چشمش و دستش و پایش و مویش و سرپایش و همه اعضایش نگهداری کرده و بدین فداکاری خرم و شاد مواظب بوده و هر ناگواری و دردی را و گرانی و غمی را تحمل کرده تا دست قدرت او را از تو دفع نموده و تو را از او برآورده، تو را به روی زمین آورده و باز هم خوش بوده است که تو سیر باشی و او گرسنه و تو جامه پوشی و او برهنه باشد و تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، تو را در سایه بدلرد و خود در آفتاب باشد و با سختی کشیدن تو را به نعمت اندر سازد و با بی خوابی خود تو را بخواب کند شکمش ظرف وجود تو بوده و دامنش آسایشگاه تو و پستانش مشک آب تو و جانش فدای تو و بخاطر تو و به حساب تو گرم و سرد روزگار را چشیده به این اندازه قدرش را بدانی و این را نتوانی جز به توفیق خدا.

اما حق پدرت را باید بدانی که او بن تو است و تو شاخه او هستی و بدانی که اگر او نبود تو نبود، پس هر زمان در خود چیزی دیدی که خوش آمد بدانکه از پدرت داری و خدا را سپاس گزار و به همان اندازه شکر کن و لا قوه الا با...

و اما حق فرزندت: بدانکه او از تو است و در این دنیا بتو وابسته است خوب باشد یا بد و تو مسئولی از سرپرستی او، با پرورش خوب و رهنمائی او به

پروردگارش و کمک او به طاعت در باره خودت و در باره خودش و بر عمل او ثواب بری و در صورت تقصیر کیفر شوی پس در باره او کاری کن که در دنیا حسن اثر داشته و خود را به آن آراسته کنی و در نزد پروردگارش نسبت به او معذور باشی به سبب سرپرستی خوبی که از او کردی و نتیجه الهی که از او گرفتی و لا قوة الا با...

و اما حق برادرت: بدانکه او دست تو است که با آن کار می کنی و پشت تو است که به او پناه بری و عزت تو است که به او اعتماد داری و نیروی تو است که با آن یورش بری، مبادا او را ساز و برگ نافرمانی خدا بدانی و نیز وسیله ظلم به حق خدا، و او را در باره خودش یار باش و در برابر دشمنش کمک کار، و میان او و شیاطینش حائل شو و حق اندرز او را به جای آور و به او رو کن برای رضای خدا اگر منقاد پروردگارش شده و بخوبی از او پذیرا گردید و گرنه خدا نزد تو مقدم باشد و از اویش گرامیتر بدار. تألیف ابن محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحوانی

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: که هرکه از روی خشم نگاه به پدر و مادر کند درحالیکه پدر و مادر بر او ظلم کنند خدا هیچ نمازی را از او قبول نمیکند و فرمود چون روز قیامت شود پرده از پرده های بهشت برداشته شود و به این سبب از پانصد ساله راه هرکه را مشامی باشد بوی بهشت را می شنود مگر یک طایفه، عرض شد که آن کیست فرمود: عاق والدین - و فرمود اگر پست تر از اف گفتن بر روی پدر و مادر چیزی می بود خدا از آن نهی می

فرمود و اولی مرتبه عقوق، اف گفتن بر روی ایشان است و از جمله عقوق است تیز نظر کردن بر روی ایشان.

و اول چیزی که در لوح محفوظ نوشته شده این بود که منم خدائی که به جز من خدائی نیست هرکه پدر و مادر از او راضی باشد من نیز از او راضی هستن و هرکه پدر و ماد بر او خشمگین باشد من نیز بر وی خشمناکم.

حضرت پیغمبر (ص) فرمود که جمیع مسلمین در روز قیامت مرا خواهند دید مگر عاق والدین و شراب خوار و کسیکه نام مرا بشنود و صلوات بر من نفرستد و همین قدر از برای عاق والدین کافیهست که پیغمبر خدا بر او نفرین کرد و فرمود هرکه پدر و مادر یا یکی از آنها را درک کند و او را از خود راضی نسازد هرگز آمرزیده مباد. جبرئیل بر نفرین آنحضرت آمین گفت ...

خیر ما ورث الالباء الالباء الادب صفحه 406 و 407 جامع السعاده

بهترین ارثی که پدران به پسران میدهند کمال و ادب است. غرالحکم ص 393  
بر الوالدین اکبر فریضه با پدر و مادر نیکی کردن بزرگترین فریضه است.  
غرالحکم ص 343

شیخ انصاری، فقیه بزرگ، خاتم مجتهدان، مادرش را تا نزدیک حمام بدوش میگرفت و او را به زن حمامی می سپرد می ایستاد تا بعد از پایان کار او را بخانه برگرداند هر شب به دست بوس مادر می آمد و صبح با اجازه ی او از خانه بیرون می رفت و پس از مرگ مادر به شدت می گریست فرمود گریه ام برای این است که از نعمت بسیار مهمی چون خدمت به مادر محروم شدم شیخ

پس از مرگ مادر با کثرت کار و تدریس و مراجعت تمام نمازهای واجب عمر مادرش را خواند با آنکه مادر از متدینهای روزگار بود - از نظام خانواده در اسلام.

کتاب اصول مداحی ص 484

۱..السادات ناصری نژاد ص 729 از کتاب

پیامبر خدا (ص) در پاسخ به سؤال از حق پدر بر فرزندش فرمود:

او را به اسم صدا نزنند - جلوتر از او راه نرود - پیش از او ننشینند و برایش دشنام نخرند.

امام هادی (ع) فرمود: نافرمانی والدین تنگدستی در پی دارد و به ذلت می کشاند. البحارالانوار ص 728 اصول اجتهاد نوشته ناصری نژاد

طی 6 فصل و یک پیش گفتار مباحثی را در رابطه با خانواده و نظام حیات آن از دیدگاه اسلام مطرح ساخته ایم.

ولی حق این است آنچه را که گفته شد در رابطه با آنچه را که باید گفته شود بسیار اندک و ناچیز است بویژه که دید محدود نگارنده‌ها، نارسائی های علمی و تجربیشان، عدم آگاهی آنها را به همه مسائل و امور مربوط به این امر، ضرورت رسیدگی به دیگر اموری که آنها هم اهمیت کمتری نسبت به این مباحث ندارند و از همه مهمتر ضیق وقت و کثرت اشتغال، رعایت حال عامه خوانندگان سبب شدند که این مباحث صورت کاملتری نداشته باشند.



ما این مباحث را به نام اسلام مطرح کرده ایم و البته سعی داشته ایم که در این راه لغزشی پدید نیاید.

سخن در باره خانواده و نظام حیات آن در اسلام. مروری داشتیم ر مسأله خانواده و سیر تحولی آن از گذشته تا حال. بدین مقصود که اهمیت وجودی آن در جنبه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و به افراد توجه داده شود که وجود آن دارای چه مزیت ها و عدم آن دارای چه معایبی است و بر این اساس پوچی اندیشه کسانی که گمان داشته اند با لغو خانواده میتوان بسیاری از دشواری ها را حل کرد معلوم گردد.

گفتیم که اسلام برای ازدواج و تشکیل خانواده ارزش و احترامی قائل است و توصیه های اسلام متوجه تشکیل خانواده است. اصولاً ارم ازدواج در اسلام مقدس است آنچنان که پیامبر ما آن را بنائی محبوب در پیشگاه خدا معرفی کرد.

پس از ازدواج زن و مرد نسبت بهم حقوقی پیدا میکنند که بخشی از آن حقوق مشترک است، بخشی مربوط به حقوق زن، حقوق مرد، حقوق فرزندان و حقوق والدین. در ازای چنین حقوقی طرفین نسبت بهم بدهی هائی پیدا میکنند که وظیفه به پرداخت و رعایت آنهاست.

زن و مرد در خانه ربای آرامش و سکون خود و هم برای گرداندن چرخ زندگی مسؤولیت هائی پیدا میکنند. بخشی از این مسؤولیت ها از آن مردان، بخشی

مربوط به زنان و بخشی هم به صورت شورها و مذاکره هاست و می بایست در خانه صورت گیرد و مراعات شود.

خانواده گاهی در معرض تزلزل و لغزش قرار میگیرد که زوجین و مسئولان جامعه باید مراقب باشند تا آن را از خطر زوال و سقوط دور نگه دارند. انگیزه لغزشها ممکن است اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، انضباطی، فرهنگی، اقتصادی، زیستی، جنسی، روانی و یا عاطفی باشد. هنری لازم است تا از نفوذ این عوامل جلوگیری کرده و نگذارد این امور ریشه دار گردد و خانواده را به انحلال بکشاند.

بر این اساس است که خانواده می بایست صیانت گردد و این صیانت دو بعد پیشگیری و درمان است. در جنبه پیشگیری زن و شوهر وظیفه دارند به رعایت حقوق و حدود بپردازند، کاری کنند که در دل و چشم شوهر جاذبه ایجاد نمایند و این جاذبه هرچندگاه تغییر و تجدید شود. جنبه های اخلاقی و ایمانی مورد نظرشان باشد، تعالی مذهبی را مد نظر داشته باشند و پای عوامل دلگرم کننده ای را در خانه باز نمایند. در جنبه درمان ضروری است تلاشی به عمل آید.

بر اثر سهل انگاری در رعایت این وظایف و دستورات ممکن است کار خانواده به جایی باریک بکشد و اختلاف اوج بگیرد. در آن صورت است که باید خوددار بود.

خوددار بود و رضای خدا در نظر داشت. نفرت و اختلاف افراد خانواده ممکن است کار را به تفرق بکشاند.

پس از انحلال خانواده مسأله خاتمه یافته نیست

ادامه زندگی ضروری است هرکدام بخشی از خواسته ها و تمناهای خویش را

نادیده گیرند و مسائل زندگی را با دید اغماض و عفو و گذشت بنگرند. وگرنه

اختلاف است و درگیری و اسارت یک حیات جهنمی

با امید رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی

پایان

فهرست منابع

- 1-نظام صبات خانواده در اسلام - دکتر علی قائمی
- 2-اصول بهداشت روانی - دکتر حسینی
- 3-اخلاق - محمدتقی فلسفی
- 4-اصول روانکاوی فروید - هاشم رضی
- 5-آزادی یا اسارت زن - فرصت قائم مقامی
- 6-بزرگسال و جوان - فلسفی
- 7-تشکیل خانواده در اسلام - دکتر علی قائمی
- 8-حقوق خانواده در اسلام - حقانی